

انقلاب

۵۵۵۵ هجری قمری فرهنگ و هنر نشر ۳۱ جمادی الاول ۱۴۳۸ | ۱ فوریه ۲۰۱۷ | سال سیام | شماره ۸۳۲۶

گزارش

انقلاب اسلامی چگونه وضعیت نشر و کتاب در ایران را متحول کرد

انقلاب در کتاب و نشر

فرهنگ/ حمید واحدی

آیا انقلاب اسلامی را در یکی از وجوه خود می‌توان انقلاب در بروز اندیشه و آگاهی جامعه ایران نسبت به آنچه در اطرافش در حال اتفاق است، دانست؟ برای این پرسش می‌توان ۳ پاسخ داشت. نخست، پاسخ بلی که بدون شک از روی احساسات صرف بیان شده و نیز پاسخ خیر که آن نیز بی‌تردید مایهٔ عداوت محض است. اما در راه سوم می‌توان با مدد گرفتن از داده‌های واقعی و گزارش‌هایی که برای کسب پاسخ برای این سؤال پیش رو قرار می‌گیرند، به یک نتیجه حاصل از استنباط علمی دست پیدا کرد. اگر بروز اندیشه و آگاهی را در بخش قابل توجهی بتوان در میزان مطالعه و نشر کتاب در یک جامعه رصد کرد که بی‌شک چنین نیز هست، مقایسه وضعیت نشر کتاب از منظر آمار و نیز کیفیت محتوا را می‌توان نشانگر ضریب نفوذ و تحول انقلاب اسلامی در جامعه ایران به شمار آورد.

ایران و چاپ صنعتی

ایران در عصر فتحعلی‌شاه و در جریان جنگ‌هایی که با روسیه تزاری داشت، برای نخستین بار دستگاه چاپ را در عرصه سرزمینی خود دید. پس از مدت‌ها انتشار نشریات و کتاب به‌صورت غیردست‌نویس در خارج از کشور، بالاخره در این عصر است که ماشین چاپ به ایران آمد و نشر کتاب از کتابت به سمت انتشار صنعتی و انبوه راهنمایی شد. بر اساس اطلاعات موجود در سال ۱۳۲۰، تعداد ۳۲۸ عنوان کتاب در ایران منتشر شده بود. این رقم البته بدون شک اشاره‌ای است به عناوین چاپ‌شده توسط ماشین چاپ و دربرگیرنده نسخه‌های خطی و آثار موجود در کتابخانه‌ها نیست. اما با این همه، با توجه به این مسأله که تنها ۳ سال پس از این تاریخ سلطنت پهلوی دوم شروع شده است، می‌توان به میزان اختناق و فشار سیاسی موجود در عصر رضاخانی به‌منظور انتشار کتاب پی برد که حاصلش انتشار تنها ۳۲۸ کتاب برای کشوری ۱۲ میلیون نفری است. درباره این میزان کم از کتاب و انتشارنیافتن نسخه‌های بیشتر می‌توان دلایل متعدد و متفاوتی را برشمرد که مهم‌ترین آنها پایین‌بودن سطح عمومی سواد در جامعه ایرانی است. آمارها نشان می‌دهد که پیش از انقلاب اسلامی فقط ۴۵ درصد مردم باسواد بودند. در نتیجه به نظر می‌رسد که میزان مطالعه و به تبع آن نیاز به کتاب در کشور، در حد پائینی قرار داشته است. در همین زمینه و بر اساس آمار، در آموزش و پرورش قبل از انقلاب اسلامی بیش از ۵۰ درصد کودکان واجباتعلیم به دلایل مختلف و عمدتاً اقتصادی در مدارس ثبت‌نام نمی‌شدند و بیش از ۷۵ درصد از ادامه تحصیل باز می‌ماندند. این در حالی است که اکنون نزدیک به ۹۹ درصد از کودکان ثبت‌نام می‌شوند و امروزه نزدیک به ۹۰ درصد جمعیت کشور از نعمت سواد بهره‌مند هستند. در حوزه تحصیلات عالی آخرین آمار دانشجویان قبل از انقلاب ۱۷۰ هزار نفر که حدود ۵۱ صدم درصد جمعیت کشور در آن زمان را تشکیل می‌دهد.

حکایت شمارگان کتاب

نشر ایران در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی کماکان در فقر موضوعی و شمارگانی به سر می‌برد. مطابق آمار وزارت فرهنگ و آموزش اسلامی در سال ۱۳۵۷، تعداد کتاب‌های چاپ نخست در کشور که با مجوز منتشر شده‌اند بالغ بر ۲۳۳ عنوان با متوسط شمارگان کمی بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ نسخه است، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸، متوسط عناوین چاپ نخست منتشرشده در کشور که البته آمار و مجوز انتشار آنها در وزارت ارشاد وقت ثبت شده، به بیش از ۱۵۹۰ عنوان با شمارگان بیش از ۱۱ هزار و ۳۰۰ نسخه می‌رسد. این جهش یک‌ساله به‌خوبی میزان اختناق سانسور و راکدبودن فضای فرهنگی کشور طی ۳۴ سال سلطنت پهلوی دوم را به نمایش می‌کشد. وضعیت نشر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۶۰ با همان وضعیت انتشار کتاب در سال ۵۷ به کار خود ادامه می‌دهد. اما در سال ۶۰ تعداد نسخه‌های چاپ اول دارای مجوز و منتشرشده در کشور بیش از ۲ برابر سال قبل شده و شمارگان نیز افزایش تقریباً ۲ برابری را حس می‌کند. البته از این ۲، تنها تعداد عناوین چاپ نخست هستند که میانگین خود را هر سال بیش از سال قبل می‌برند و وضعیت شمارگان در ثباتی نسبی باقی می‌ماند. با این همه، نشر ایران در سال‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی از منظر محتوایی نیز دچار تحولات قابل توجهی شده و مسیر و هدف‌گذاری خود را دستخوش تغییرات زیادی دیده است.

مروری بر ۳ دهه کیفیت

قطعاً در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به لحاظ محتوا و کیفی ماهیت کتاب‌های منتشر شده در ایران ارتقا و تحول یافته است، اما به چه سمت و سویی؟ برداشته‌شدن سانسور در انتشار کتاب هم‌زمان با سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و نیز شور و شوق بسیاری از فعالان سیاسی برای انتشار دیدگاه‌های خود در قالب کتاب که یکی از مهم‌ترین رسانه‌های زمان خود به شمار می‌رفت، انتشار کتاب‌های متعدد با محتوای اسلامی و انقلابی و سیاسی را رونق قابل توجهی بخشید. در ادامه و با آغاز جنگ تحمیلی نیز این دست از موضوعات جای خود را به مباحث عملی و عقیدتی می‌دهد. با این همه در دهه دوم انقلاب اسلامی تحول و رویشی تازه در عرصه شعر و داستان و رمان پدید می‌آید و آثار داستانی که به‌نوعی به زندگی جامعه ایرانی در بستر جنگ و بحران‌های فکری عصر خود توجه نشان می‌دهد، با شمارگان قابل توجهی و پس از آن منتشر می‌شوند. با این همه، با توجه به شرایط خاص جامعه در سال ۷۶، ترجمه آثار مهم سیاسی، فلسفی و اندیشگانی نیز گرایش عمده به کتاب‌های این دوره را به وجود می‌آورد. اما در دهه سوم انقلاب که از پایان دهه هفتاد تا پایان دهه هشتاد را شامل می‌شود، دوره فروکش کردن تب توجه به آثار سیاسی و رجوع مردم به آثار داستانی و شعر و کاربردی اعم از درسی، پزشکی و حتی سرگرم‌کننده است. با توسعه رسانه‌های نوین، کتاب جایگاه خود را در اطلاع‌رسانی از دست داده و رفته‌رفته به امری تجملی و حتی بدون نفع اقتصادی در جامعه مبدل می‌شود. تا جایی که امروزه با وجود انتشار بیش از ۷۰ هزار عنوان کتاب در ایران، شمارگان انتشار کتاب به حدود ۵۰۰ نسخه رسیده که در نوع خود بسیار کم‌نظیر است.



مطبوعات از ابتدای سال ۵۷ از کنترل شاه خارج شدند

مطبوعات از زمان ظهورش در کشورمان، فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرد تا به این جا رسید که با ظهور رسانه‌های نوین و شبکه‌های اطلاع‌رسانی شهروندی، خطر ریزش مخاطب بیخ گوششان است. مطبوعات در پیروزی انقلاب هم سهم به سزا و نقش مؤثری داشتند. در گفت و گو با دکتر علی گرانمایه‌پور، استاد علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری به بررسی سیر مطبوعات در ایران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداختیم.

صفحه ۲

حضور حماسه و پویایی ویژگی مهم داستان انقلاب است

درباره فراز و فرودهای داستان انقلاب و تغییراتی که این نوع ادبی در این چند دهه داشته است، با منیژه آرمین به گفت‌وگو نشستیم. او هم اکنون دبیر جشنواره داستان انقلاب اسلامی است. صفحه ۱

جریان سوم صحنه را دگرگون کرد

بر اساس نظر هبر انقلاب دستیابی به بیان سینمایی مناسب و تأثیرگذار برای انتقال مفاهیم و ارزش‌های انقلاب و نشر آنها در جهان، برای حکومت اسلامی یک امر ضروری است. صفحه ۴

هنر فرمایشی درباری به خدمت مردم درآمد

گرچه سال‌های پر از تب و تاب انقلاب در قاب دوربین عکاسان و فیلمسازان و بوم نقاشان به روایت‌های مختلفی از این واقعه گره خورده است، اما هنر تازه‌ای از بطن این جوشش زاینده شد. صفحه ۴



دبیر هنری نهمین جشنواره داستان انقلاب در گفت‌وگو با قدس:

حضور حماسه و پویایی، ویژگی مهم داستان انقلاب است

انقلاب حضور حماسه و پویایی آن است و اگر این ویژگی را نداشته باشد، داستان انقلاب نیست؛ حتی اگر در همان دوران انقلاب رخ داده باشد.

◆ به‌طور کلی تعریف شما از «داستان انقلاب» چیست؟
من شخصاً معتقدم که انقلاب منحصر به زمان خاصی نیست. انقلاب اتفاقی است که از سال‌ها قبل بذرش درون مردم وجود داشته و در یک برهه زمانی تبلور و ظهور پیدا کرد.
همه اتفاقات و نبردهای میان حق و باطل و حرکت‌های مردمی که در سال‌ها و دهه‌های قبل از انقلاب انجام شده، می‌تواند جزئی از پیکره انقلاب باشد. با این تعریف، انقلاب منحصر به دهه ۵۰ نیست. حتی در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پیامدهای انقلاب مطرح می‌شود که می‌تواند در داستان انقلاب هم قابل طرح باشند.

◆ در خلق اثری با موضوع انقلاب آیا نویسنده باید تجربه زیستی داشته باشد یا فقط مطالعه و تحقیقات میدانی برای خلق اثری ماندگار کافی است؟

من فکر می‌کنم نویسنده، فرازمانی است. نویسنده حرفه‌ای می‌تواند از وقایعی بنویسد که در آن حضور نداشته است. کتاب‌هایی که در سال‌های گذشته منتشر شده و بعضی از آنها از سوی نویسندگانی بوده که تجربه زیستی در آن روزها را نداشته‌اند، نشان می‌دهد نویسنده‌ای که در روزهای انقلاب حضور نداشته می‌تواند داستان‌هایی قابل قبول بنویسد. حس و تجربه نویسنده‌ای با وجود داشته باشد، این حس بر اثر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی به دست می‌آید. بنابراین نوشتن حتماً لازم نیست داستان انقلاب توسط افرادی نوشته شود که آن زمان را درک کرده‌اند بلکه چنین افرادی می‌توانند کمک کنند که آن اطلاعات، درست به دست آیندگان برسد.

◆ با این شرایط، نویسنده باید به منابع به‌صورت مطلوب دسترسی داشته باشد. آیا اسناد لازم راجع به انقلاب وجود دارد؟
من فکر می‌کنم در حوزه انقلاب اسناد و مدارک خوبی وجود دارد. حداقل مطبوعات که انعکاس‌دهنده وقایع آن زمان بوده‌اند، وجود دارند. منابع مکتوب دیگری مثل کتاب و منابع انسانی هم هستند که هنوز نسلی که انقلاب را درک کرده‌اند، می‌توانند راوی خاطراتشان باشند.

◆ اوج درخشش ادبیات داستانی مربوط به کدام دهه است. در دهه ۶۰ به لحاظ کمی آثار زیادی داشتیم اما خیلی‌ها معتقدند آثار کیفی ما در دهه قبل خلق شده است؟
بله، بهترین داستان‌های انقلاب در دهه اخیر نوشته شده است. اما دهه ۶۰ هم همان ادبیات را می‌طبلید و به عقیده من نباید آن ادبیات را منسوخ بدانیم. به هر حال وقتی اثر ادبی به دنبال اتفاقی خلق می‌شود، اثری تحلیلی نخواهد بود و تبلور همان زمان است. ویژگی مهم داستان



◆ به توجه به اینکه دبیر نهمین دوره جشنواره انقلاب هستید، فکر می‌کنید نوشتن این آثار پس از گذشت چند دهه چه سمت و سویی پیدا کرده است و نویسندگان بیشتر به چه موضوعی از انقلاب توجه می‌کنند؟

خوشبختانه در سال‌های اخیر نگاه‌های متفاوتی وارد داستان انقلاب شده است. اما مسأله‌ای که به نظر من اهمیت دارد این است که نویسندگان در آثاری که در چند سال گذشته خلق کرده‌اند به بعد داستان توجه خاص کرده و سعی کرده‌اند وقایع را در قالبی داستانی عرضه کنند. ما همیشه به دنبال این بودیم که در داستان‌های موضوعی مثل داستان انقلاب، نفس داستان اهمیت داشته باشد و ادبیات در پی موضوع تشخیص خود را از دست ندهد. این امر که در اغلب داستان‌های سال‌های اخیر نویسنده‌ها به اصالت داستان توجه کرده‌اند، و موضوع انقلاب به خدمت هنر داستان نویسی درآمده، اتفاق خوبی است.

◆ بعضی از نویسندگان معتقدند در سال‌های اخیر برگزاری جایز و جشنواره‌های متعدد داستان‌نویسی در حوزه‌های انقلاب و جنگ و همچنین رواج بیش از حد سفارشی‌نویسی در این حوزه‌ها به بدنه داستان انقلاب ضربات سنگینی زده است. نظر شما در این مورد چیست؟
به نظر من نویسنده، نویسنده است و مطمئناً مهم‌ترین دغدغه‌اش همان ادبیات است و حتی اگر سفارشی هم بنویسد، کشش‌ها و کوشش‌های نویسنده‌گی را نمی‌تواند فراموش کند و در نهایت اندیشه خوب حتماً قالب خوب را هم می‌خواهد.

◆ چه ابعدی از انقلاب مغفول واقع شده است؟
یکی از ویژگی‌های داستان‌هایی که بعد از انقلاب نوشته شده، حضور عامه مردم در این داستان‌ها و تشخیص‌یافتن این قشر در ادبیات است. پیش از انقلاب هم عامه مردم در داستان‌ها و آثار نویسندگانی مثل صادق هدایت و یا بزرگ علوی حضور داشتند که همیشه نگاه به این قشر حضوری تأثیرگذار نبوده و نویسنده نگاه و موضعی تمسخرآمیز به عامه مردم داشته است؛ البته به جز جلال آل‌احمد که یک استثناست.

همان‌گونه که عامه مردم در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب نقش داشتند، همین قشر در داستان انقلاب هم حضور پیدا کردند. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ادبیات تحت تأثیر مشروطیت بود و مشروطیت به طبقه روشنفکر اهمیت می‌داد. اما بعد از پیروزی انقلاب، ادبیات مردم هم در مشروطیت جایگاهی نداشتند. نکته دیگر این است که داستان مدرن متأثر از ادبیات غرب بود و نویسندگان قبل از انقلاب مدرن‌نویسانی بودند که تحت تأثیر ادبیات غرب نگاه خاصی داشتند. ولی پس از وقوع انقلاب و ورود نویسندگان انقلابی به حوزه داستان‌نویسی، این نگاه تغییر کرد. بنابراین ما با نوع تازه‌ای از ادبیات مواجه شدیم که حالا پس از گذشت چند دهه می‌توان از رشد و بلوغ در داستان انقلاب صحبت کرد.

پس از وقوع انقلاب و ورود نویسندگان انقلابی ما با نوع تازه‌ای از ادبیات مواجه شدیم که حالا پس از گذشت چند دهه می‌توان از رشد و بلوغ در داستان انقلاب صحبت کرد



جشنواره فیلم فجر نگین فرهنگی انقلاب



عبدالله پاکیده
تهیه‌کننده و کارگردان

سینمای قبل انقلاب ویژگی‌های خاص خودش را دارد. سینمای بعد از انقلاب هم وجوهای فرهنگی و ایدئولوژی خاص

خودش را دارد و دقیقاً به همین علت است که این ۲ اصلاً با هم قابل قیاس نیستند. سینمای قبل از انقلاب به جز یک تعداد کارهایی که انجام شده بود، بقیه‌اش مربوط به سینمای بدنه و تجاری بوده است که همان تعداد هم مجبور بودند در رقابت با سینمای فرنگی برای جلب توجه مشتریان به هر نوع دربارگی و گدایی دست بزنند.

سینمای بعد از انقلاب ابتدا شکل ایدئولوژی به خود گرفت و از حالت صنعت به هنر تبدیل شد و الان بعد از سال‌ها بار دیگر از هنر دوباره به صنعت تبدیل شده است. همه اینها به آن دلیل بود که در ارزیابی‌های جشنواره فجر که هر ساله اتفاق می‌افتاد، با انتخاب و اهدای جوایز زمینه‌سازهایی برای ساخت، پرداخت و تفکر در مورد آثار سال‌های آینده فراهم می‌شد.

این بود که این جشنواره تا الان نیز به همین شکل پیش رفته است و به نظر من نقطه شکوفایی و ارزش‌گذاری فرهنگ بعد از انقلاب، جشنواره فیلم فجر است. اگر با دقت به این جشنواره نگاه کنید می‌بینید که از طراحی گرفته تا موسیقی و بازیگری و... همه و همه در آن هست و همه اینها در تصویر سینما مؤثر است. این است که می‌گوییم جشنواره فجر نشانه پیشرفت فرهنگی یک ایدئولوژی است که در طی سال‌های متمادی که از انقلاب می‌گذرد، شاهد آن بوده و هستیم و جشنواره فیلم فجر نگین فرهنگی انقلاب بوده و هست.

همان‌طور که گفتم، وقتی انقلابی ایجاد می‌شود آن انقلاب ایدئولوژی خاص خودش را دارد. اگر ایدئولوژی، خوب مطرح شود، پیشرفت خواهد کرد. در این میان، سینما دارای ایدئولوژی است ولی اگر بخواهد به سمت اقتصاد برود، مجبور است یک جاهایی از ایدئولوژی دور شود یا به سمت تجارت برود. این گونه بوده که سینمای ما در طول این سال‌ها گاهی به سمت تجارت رفته و گاهی به سمت هنر آمده است. این تلفیق از بدو پیدایش انقلاب وجود داشته است و از آن زمان بود که سیستم تولید و سیاست‌گذاری فیلم‌ها و پیشرفت فکری کارگردان‌ها مشخص شد. این برنامه ایدئولوژیکی بود که در سینما انجام شد که قضاوت درباره خوب یا بد بودنش بر عهده تماشاچی است ولی هر سالی که فیلم‌ها را نظر منتقدان آثار خوبی بوده‌اند، در اکران عمومی هم توانسته‌اند با موفقیت‌هایی روبه‌رو شوند.

البته باید توجه داشت ما هنوز خیلی راه درازی در پیش داریم. هنوز شمای از سینمای جهانی در سینمای ما نمود یافته است ولی همین که فیلم‌های ما می‌توانند در فستیوال‌های مختلف جهانی شرکت کنند و جوایزی کسب نمایند و در سینماهای خارج از کشور اکران شوند، همه اینها زمینه‌های حضور اقتصادی و فرهنگی سینما در امور بین‌المللی و یکی از دلایل موفقیت سینمای بعد از انقلاب است.

درنگ

رونق گرفتن دوباره تئاتر پس از انقلاب



حسین مسافر آستانه
وقتی انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، در بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی تغییراتی خاص ایجاد کرد و این امر بسیار طبیعی و بدیهی است. هنر و از جمله تئاتر هم تابع این شرایط بود. تئاتر در قبل از انقلاب

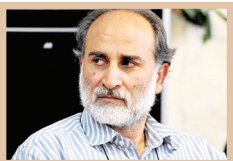
بر اساس سیاست‌های رژیم گذشته، فعالیت خاص خودش را داشت و وقتی انقلاب تحقق پیدا کرد، این فعالیت‌ها در یک دوره بسیار کوتاه متوقف شد و گروهی دیگر از هنرمندان تئاتر با تفکری جدید منطبق بر اعتقاداتی که انقلاب سرمنشأ آن‌ها بود شروع به کار کردند. گروهی از هنرمندان هم که در دوره قبل مهجور مانده بودند و فرصتی به آنها داده نشده بود، با وقوع انقلاب فرصتی پیدا کردند که وارد این عرصه شوند و به خلق آثار نمایشی دست یازند. تئاتر در این مرحله بیشتر در حوزه هنری شکل گرفت یعنی جمعی از هنرمندان مسلمان و انقلابی، پایگاه منظمی را در حوزه هنری تشکیل دادند و به اجرای نمایشنامه‌های دینی، مخصوصاً نمایشنامه‌هایی که برخاسته از تاریخ اسلام بودند و یا شخصیت‌های خاصی را در تاریخ اسلام دست مایه قرار داده بودند، روی آوردند. تئاتر به این شکل در بعد از انقلاب دوباره کار خود را شروع کرد و در یک مدت کوتاه از بعد از انقلاب تا شروع جنگ تحمیلی، جریان جدید شکل گرفت که با اهداف فرهنگی پس از انقلاب همسو بود. طبیعتاً این جریان نمی‌توانست به همین شکل باقی بماند چون تئاتر در هیچ شکلی ثابت باقی نمی‌ماند و مرتب در حال تغییر است.

هنرمندان تئاتر پیش از انقلاب، به نسبت در حال تغییر دچار مشکل شدند. عموماً بعد از یک مرحله کوتاه تعطیلی دوباره شروع به کار کردند و بسیاری از کارهایی را که قبل از انقلاب اجرا کرده بودند و آثاری در خدمت فرهنگ و انسجامیت بود، اجرا کردند. همچنین خیلی از ترجمه‌هایی که قبل از انقلاب کار شده بود، دوباره دست مایه قرار گرفت و همه هنرمندان وارد عرصه شدند. وقتی جشنواره تئاتر فجر حدوداً ۲ یا ۳ سال بعد از انقلاب شروع به کار کرد، هنرمندان تئاتر کشور دوباره انگیزه‌ای برای کار کردن پیدا کردند. این جشنواره‌ها، جریان دوباره‌ای را در تئاتر ایجاد کرد که رونق دوباره تئاتر در کشور شد اگرچه پس از یکی دو سال ما چندان شاهد آثار با موضوع انقلابی نبودیم و عموماً هنرمندان تئاتر همان درون مایه‌های گذشته را به کار می‌گرفتند.

انقلاب اسلامی سینمای ایران را چگونه متحول کرد؟

جریان سوم صحنه را دگرگون کرد

هنر / تکتیم بهار دوست | «ملتی که سینما ندارد مثل انسانی است که زبانی از زبان‌های مورد تفاهم و تکلم را بلد نیست». این جمله بیانگر نظر دقیق و کارشناسانه مقام معظم رهبری درباره سینماست؛ نظری جامع که شاید در میان علما و اندیشمندان مسلمان مایه‌آزایی نتوان برای آن سراغ گرفت و شاید حتی دیدگاه بسیاری از مدیران فرهنگی پیشرو نیز به پای آن نرسد. بر اساس نظر رهبر انقلاب



جریان سوم ما سینمای انقلاب و برخاسته از فرهنگ انقلابی است و سینماگرانش عمدتاً نسل جدید بعد از پیروزی انقلاب هستند

جریان سوم آمد

حبیب‌الله بهمنی معتقد است اگر بخوایم از تأثیرات انقلاب بر سینما بگوییم ابتدا باید بدانیم سینما در گذشته چه بوده، در چه وضعیتی قرار داشته و از چه جایگاهی برخوردار بوده و اصولاً چگونه توانست در مقابل انقلاب عکس‌العملی از خود نشان بدهد. این تهیه‌کننده گفت: در سینمای قبل از انقلاب ۲ جریان کلی وجود داشت؛ نخست سینمای عامه‌پسند که سینمای مبتذل محسوب می‌شد و دیگری سینمای روشنفکری که با گرایش‌های ظاهراً روشنفکرانه اما در باطن به دنبال توجیه وضع موجود و با گرایش‌های چپ‌گرایانه دولتی یعنی وابسته به دربار این جریان را در سینمای ایران ایجاد کرد تا بتواند جریان‌های انقلابی هنر سینما را تحت کنترل خود دربیاورد. به گفته وی، این جریان‌های چپی که عمدتاً در سینما شکل گرفته بود تحت حمایت دربار و شخص فرح فعالیت می‌کرد. اینها در جشنواره‌های مختلفی مثل جشنواره سیاس شرکت می‌کردند و جوایزی هم می‌گرفتند. این کارگردان ادامه داد: این ۲ جریان با وقوع انقلاب اسلامی نیز به‌شکلی حیات خود را ادامه دادند. یعنی در دوران

سینمای انقلاب در اقلیت است

بهمنی گفت: جریان سوم ما سینمای انقلاب و برخاسته از فرهنگ انقلابی است و سینماگرانش عمدتاً نسل جدید بعد از پیروزی انقلاب هستند که به سینما پیوستند. اینها با دیدگاه‌ها و آرمان‌ها و اهدافی که همراه و همگام انقلاب اسلامی بود وارد عرصه شدند و هنوز هم دارند فعالیت می‌کنند. شما اگر می‌بینید فیلم‌هایی در سینمای ما در حوزه‌های انقلاب و دفاع مقدس و مضامین دینی ساخته می‌شود، اینها برخاسته از این جریان سوم است که دارد فعالیت می‌کند.



سینمای قبل از انقلاب برگرفته از سینمای غرب بود و این سینما هم با خشونت و مسایل دیگری مخاطب خودش را جذب می‌کرد

سینمای انقلابی، سینمایی به دور از خشونت

حبیب‌الله کاسه‌ساز تهیه‌کننده دیگری است که معتقد است سینمای انقلاب هم مثل خود انقلاب تحولات اساسی داشته است.

وی می‌گوید: انقلاب ما انقلاب فرهنگی بود و سینما هم یکی از آن ابزارهای فرهنگی بود که تحول در آن ایجاد شد. اساساً ما قبل از انقلاب یک سینمای واقعی که حرفی برای گفتن داشته باشد، نداشتیم چون سینمای قبل از انقلاب برگرفته از سینمای غرب بود و این سینما هم با خشونت و مسایل دیگری مخاطب خودش را جذب می‌کرد مگر تعداد انگشت‌شماری مثل فیلم «گاو» که قبل از انقلاب ساخته شد و می‌شود گفت رنگ‌بوی سینما را داشت. بقیه فیلم‌ها آثاری بودند که اساساً نمی‌شد به آنها لفظ «سینما» را اطلاق کرد. این کارگردان ادامه داد: اما تحول انقلابی که باعث شد این

این تهیه‌کننده ادامه داد: البته متأسفانه به خاطر سیاست‌های غلط سینمایی، جریان سوم همیشگیه در اقلیت بوده و آن دسته از فیلمسازانی که به این دسته وابسته‌اند برای اینکه بتوانند به انقلاب خدمت کنند باید مرتباً مبارزه کنند. یعنی ۹۰ درصد از انرژی سینماگران انقلابی صرف این می‌شود که بتوانند مدیریت و سیاست‌گذاران فرهنگی را قانع کنند که بایستی جهت‌گیری‌هایشان به سمت انقلاب باشد تا بتوانند همچنان سینمای انقلاب را تقویت نمایند.

سینما سینما بشود، بحث مفهوم و محتوا بود، ما

اوایل انقلاب تکنیک سینما نداشتیم و کارگردانان ما به دنبال تجربه بودند.

ولی چیزی که باعث تحول در سینما شد، بحث محتوای فیلم‌هایمان بود که به دور از خشونت بودند. در واقع همان تحولی که در مردم ما رخ داد، در همه ابعاد هنری هم اعم از شعر و موسیقی و هنرهای تجسمی و... نیز اتفاق افتاد.

اما آن چیزی که این میان نماد بیشتری پیدا کرد و در سینمای بعد از انقلاب هم می‌توان آن را دید و عنوان سینما و هنر فرهنگی هم دارد و توانست خودش را در دنیا مطرح کند، همان سینمایی است که از فرهنگ بومی خودمان گرفته شده است.

رسول اولیازاده از تحولات هنرهای تجسمی می‌گوید

هنر فرمایشی درباری به خدمت مردم درآمد

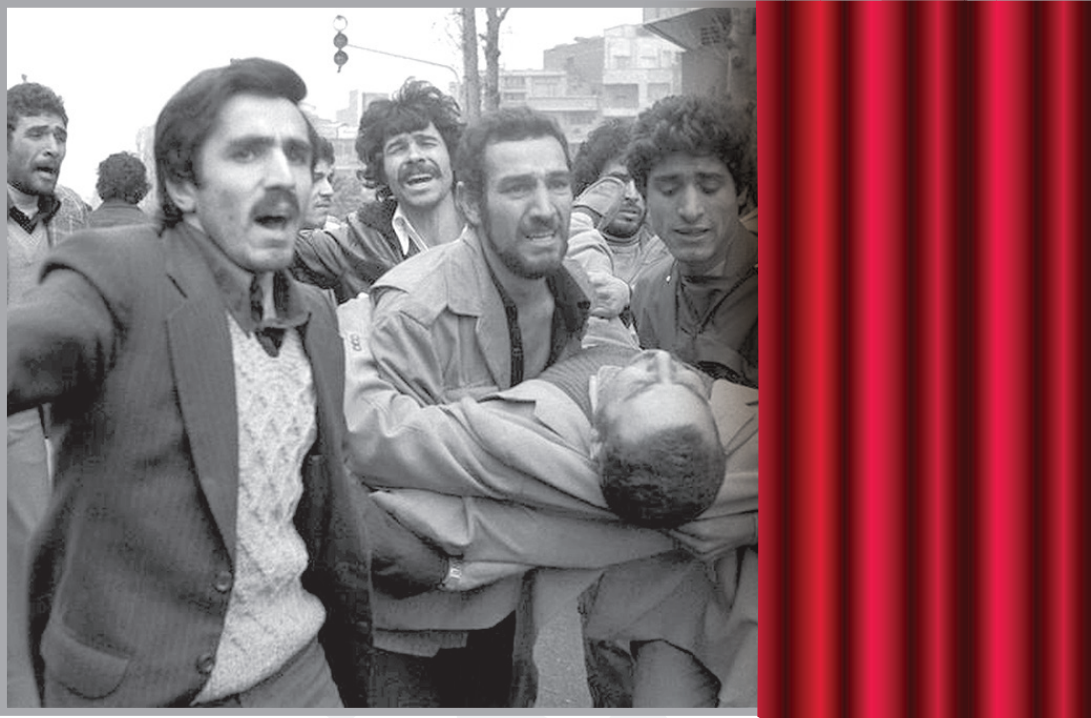
هنر / صبا کریمی | وقوع انقلاب اسلامی، فجری در بالندگی هنر این مرز و بوم نیز بود. گرچه سال‌های پر از تب و تاب انقلاب در قاب دوربین عکاسان و فیلمسازان و بوم نقاشان به روایت‌های مختلفی از این واقعه گره خورده است، اما هنر تازه‌ای از بطن این جوشش عظیم اجتماعی زاییده شد که امروز در گذر از این مسیر ۲۸ ساله به پختگی و منتهایی متعالی دست یافته است. روزهای سخت و پرالتاب، جنبش‌های مدنی، اتفاقات تلخ و شیرین و رشادت‌های تمام کسانی که حماسه‌ساز شدند به مدد هنرمندان و هنر متعهدانه آنها به ثبت رسیده است. همین

نمایشگاه‌های خیابانی بر گراز می‌گردیم

وی در ادامه می‌گوید: در آن ایام هر کسی کاری می‌کرد. ایام درگیری با رژیم شاه بود و هر فردی بر اساس توانایی‌ای که داشت، در این جنبش اجتماعی حضور می‌یافت. ما عکس می‌گرفتیم و در دانشگاه‌ها اسلایدشو بر گراز می‌کردیم و یا عکس‌هایمان روی در دیوار شهر بود و به‌صورت نمایشگاه خیابانی در می‌آمد. پادم هست بچه‌های دانشگاه هنر عکسی از امام(ره) کشیده بودند و این عکس در همه راهپیمایی‌ها بود. رئیس اسبق خانه عکاسان ایران تأکید می‌کند: اینها همه نتیجه این بود که هنر موجود جدا کرد، می‌گوید: هنر در ارتباط با واسطه هر کس با توجه به بضاعتی که داشت، کاری می‌کرد. مرحوم بهمن جلالی هم کتابی داشت از مجموعه عکس‌های زمان انقلاب. یا اکبر ناظمی از دیگر عکاسانی بود که وقتی می‌شنود که در ایران انقلابی شده، درش را در دانشگاه هنر آلمان نیمه کاره رها



خیلی از رشته‌های هنری وامدار عکس و عکاسی هستند، اگر نگاهی به سیر روند تصویرسازی و پوستر بعد از انقلاب ببیندازیم می‌بینیم که همه این اتفاقات با عکس و عکاسی شکل گرفت



جوانان مستعد و متعهد وارد عرصه شدند

وی در پاسخ به این پرسش که مسیری که هنر امروز در این سال‌ها پیموده چقدر وامدار وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همچون انقلاب اسلامی است، می‌گوید: اگر انقلابی شکل نمی‌گرفت، همان ماجراهای جشن هنر ادامه پیدا می‌کرد. باید بدانیم که این انقلاب توانست چقدر جوان‌های مستعد را وارد عرصه کند و آنها به خلق آثار هنری بپردازند. در نتیجه، بسیاری از این هنرمندان وامدار این جنبش عظیم فرهنگی هستند. همین سینماگرانی که داریم، کسانی بودند که در جبهه و جنگ حضور داشتند و آن حس و حال را درک می‌کردند. افرادی همچون مرحوم ملاقلی پور، مرحوم سلحشور، حاتمی‌کیا، راعی، مجیدی و... اینها کسانی بودند که حضور مستمر در این عرصه‌ها داشتند. با افرادی همچون محمود کلاری قبل از اینکه وارد سینما شوند، عکاس حرفه‌ای و قابلی بوده است؛ عکاسی که در دوران انقلاب و دفاع مقدس حضوری مستمر داشته است. اینها کسانی هستند که تمام وجودشان را برای عکاسی، فیلم و هنر گذاشتند و حاصلش این اتفاق‌هایی است که در عرصه هنر شاهد آن هستیم.

توانند با هنر خیلی راحت و صمیمی برخورد کنند، فاصله داریم. در این ۳۰ و چند سال و بر اساس آنچه رخ داده، باید بدانیم که خیلی از رشته‌های هنری وامدار عکس و عکاسی هستند. اگر نگاهی به سیر روند تصویرسازی و پوستر بعد از انقلاب ببیندازیم، می‌بینیم که همه این اتفاقات با عکس و عکاسی شکل گرفت. مجسمه‌سازی و تندیس هم الهام اصلی خود را از عکس گرفتند زیرا عکاس‌ها همیشه در خط مقدم بودند و در واقع ثبت تصویری هر واقعه‌ای، نتیجه عکاسی است. برای نمونه باید به عکس‌هایی که از تسخیر لانه جاسوسی گرفته شد، اشاره کنم. از آن سال‌ها تا امروز هر گرافیستی که بخواهد پوستر را طراحی کند، نگاهش متأثر از همان عکس‌های گرفته‌شده است و هنوز هم این عکس‌ها در همه ۱۳ آبان‌ها مورد استفاده است. درست است که می‌گوییم این هنر برای مردم است اما سواد بصری مردم در این سال‌ها چندان رشد نکرده است. هرچند این اواخر مردم ارتباط بهتری با هنر برقرار کردند و این هم حاصل زحماتی است که هنرمندان ما کشیدند و هنر را در خدمت اهداف مردم قرار دادند.

و می‌توان گفت که بخشی از این گنجینه تصویری هنوز منتشر نشده است.

هنر انقلاب خود را از ابتدال جدا کرد

اولیازاده با بیان اینکه در آن دوران هنر خودش را از رویدادهایی همچون جشن هنر شیراز و آن ابتدال جدا کرد، می‌گوید: هنر در ارتباط با واسطه مردم قرار گرفت. خوشبختانه این رویه بعد از انقلاب هم ادامه یافته و در همه زمینه‌های هنری نیز دیده می‌شود. یکی از نمودهای بارزان، در فیلمسازی بوده و امروز ما به جایی رسیدیم که در بسیاری از جشنواره‌های خارجی حضور داریم و افتخار کسب می‌کنیم. این رخدادها همه بعد از انقلاب افتاد و این در حالی است که نشانی از این موفقیت‌ها پیش از انقلاب دیده نمی‌شد. دلایلش هم این بود که راه باز شد تا هنرمندان جوان و صاحب‌فکر بتوانند خودشان را مطرح بزنند. اولیازاده در ادامه به بازخورد و واکنش‌های مردم در مقابل این هنر و حرکت جمعی تازه‌میدان‌آمده اشاره می‌کند و می‌گوید: ما هنوز با نقطه‌ای که مردم

می‌کند و به ایران می‌آید و شروع به فیلمسازی و عکاسی می‌کند که بعد از ۱۷ سال که از انقلاب گذشته بود، نمایشگاهی از آثارش عکس‌های انقلاب در کانادا برگزار می‌کند که از این مجموعه عکس‌ها کتابی برایش چاپ می‌کنند. بعد از این ماجرا ایشان بلافاصله به ایران رومی گردد و من هم آن زمان مدیر خانه عکاسان ایران بودم و طی صحبتی که با هم کردیم نمایشگاهی از آثارش را در ایران برپا کردیم و در حال حاضر پنج جلد کتاب از ایشان به چاپ رسیده است. هنرمندان این‌چنینی بسیار بودند که امروز آثارشان به چاپ رسیده است. می‌توان گفت اینها سندهای تاریخی مملکت ما و بسیار ارزشمند هستند زیرا همه با هر بضاعتی که داشتند، در این حرکت و جریان حاضر می‌شدند. در کنار اینها، امروز ما افرادی را شناسایی کردیم که به دلیل مسایل مالی و برخی فشارها اقدام به انتشار عکس‌هایشان نکردند